

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعید افغانی

۱۹ جولای ۲۰۱۱

## خطاب به آنهایی که مصالحه سیاسی را نمی پذیرند و به تعریف رسمی دشمن تأکید دارند!

اصل قبول شده است تا زمانی که در نتیجه سیاسی یک کشور و یک جامعه تمام نیرو های سیاسی واقعی جامعه از طرق و مجاری نورمال و مردمی حضور نیابند در آن جامعه صلح دوامدار قایل نخواهد شد.

ضرورت به تأکید است که جزئیات، حدود و ثغور مطلب فوق و در مجموع هر تعریف و افاده باید دقیق، جامع و مانع باشد. تعریف جامع: یعنی در بر گیرنده تمام مشخصات و مانع: تعریفی که سبب منع دخول مفاهیم دیگر در تعریف معین گردند. درین رابطه ضرورت جدی است ما زمانی که مصالحه سیاسی می گوئیم باید دقت کنیم که آنرا نباید با معامله سیاسی مبنی بر خیانت به اهداف مطروحه ای که به آن معتقدیم و آنرا برای حل مسایل مطروحه درست می دانیم، خیانت به اهداف مشروع خویش، خیانت و گذشت از معتقدات و نسخه های خویش، خیانت به وطن، عبور گذرا از ملت، در خدمت قرار گرفتن دشمن و جور آمد موقت به هر قیمت، توافق بر سر بریدن ها به کارد تیز و یا کند، توافق بر مثلا بمب گذاری ها و بمباردمان ها و... نیست.

بلی مصالحه به معنای گذشت و رها کردن برنامه تأسیس امارت اسلامی هم نیست.

مصالحه سیاسی توافق و عدم توافق بر تطبیق دموکراسی غیر تعریف شده غربی در جامعه ما نیست.

مصالحه سیاسی قبول به شانه کشیدن یوغ اسارت اجنبی نیست، مصالحه سیاسی خود فروشی نیست.

مصالحه سیاسی حق تلفی زنان و تجاوز از ارزش های عام قبول شده معقول و قابل انطباق بر سطح انکشاف جامعه ما هم نیست.

مصالحه سلاح به زمین گذاشتن و تسلیم شدن نیست.

مصالحه سیاسی به صورت حتمی قبول نسخه اپوزیسیون و یا هم مخالف نیست.

مصالحه سیاسی تقسیم غنایم و ملت را به حاشیه کشاندن نیست.

مصالحه به آی اس ای و دیگر مراجع استخباراتی امتیاز دادن نیست.

مصالحه ملی عذرخواهی و طلب ترحم نیست. در سیاست مصالح است و منافع است، عذر و خیرات و "مطالبات خیر است و خیر است" گنجایش و جایی ندارد.

بلی ما حق داریم عفو کنیم اما حق نداریم فراموش کنیم.

ما حق داریم شناخت از دیگران داشته و تعیین کنیم که با کی در یک راه می رویم و با کی و کدام اندیشه ها همگامی کرده نمی توانیم.

بلی، ما حق داریم حق خود را عفو کنیم، اما حق عفو حقوق دیگران را برای افراد ثالث بدون نیابت صریح از ایشان نداریم.

ما وظیفه داریم بیاموزیم و مسئولیت داریم به مردم خویش و جهان بگوئیم که کدام نسخه ها و کدام برنامه ها چه حالی را بر ملت ما آورد و چه حالتی را خواهند آورد اگر حاکمیت را به دست بگیرند. ملت را باید قدم به قدم به انتخاب خیر شان مساعدت و همکاری انتخاب خیر نموده اما حق نداریم گستاخانه حق انتخاب ملت را با تدویر جرگه ها و جلسه های فرمایشی به خود انتقال بدهیم.

جرگه ها، کنفرانس ها، تماس ها و جلسه هائی که معمولا در آن افراد و جوانب به اساس من شما را احوال دار میگویم و شما من را کوتاه احوالدار بگوئید، دعوت به راه انداخته و دایر می شوند، برای آمادگی و زمینه سازی های بعدی خوب و ضروری اند و باکی ندارند. اما مشکل اساسی درین است که در این کنفرانس ها و جرگه ها (کنفرانس بن و جرگه های پلان شده عنعنه ئی و یا مشابه) تصامیمی گرفته شوند که ملت را به حاشیه برانند.

#### پس مصالحه سیاسی در شرایط ما چیست؟

مصالحه سیاسی در شرایط ما توافق سیاسی بر این است که مشروعیت حاکمیت از مردم به دست می آید.

مصالحه سیاسی توافق مقدماتی، زمینه سازی و به کار اندازی صادقانه تمام امکاناتی است که تمام نیروهای سیاسی و نسخه دهندگان حل مسایل مطروحه افغانستان و صلح منطقه و کسانی که حاکمیت و مشروعیت حاکمیت را از مردم می دانند، نسخه های خویش را به ملت پیش کش نموده و ملت انتخاب می کند که کدام نسخه به دردش خواهد خورد؟ کدام نسخه را قبول دارد؟ و کدام را نه؟ و به این ترتیب مشروعیت اجرای نسخه و مشروعیت حاکمیت از ملت برخاسته و تصمیم می گیرد. ملت ما مسلمان است و انتخاب خویش را دارد. نقش علماء و روحانیون در انتخاب ملت ممد و همکار خوب خواهد بود. درین رابطه هرگونه پیش شرط های دیگر مانع عملی کار است و سبب ادامه خونریزی در افغانستان و سبب باقی ماندن عده ای از هموطنان در قید اسارت استخبارات خارجی شده و برادر کشی ادامه پیدا می کند.

شاید گفته شود که در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی اخیر در افغانستان تقلب شد. این سیستم به درد ما نمی خورد و این دموکراسی در افغانستان قابل تطبیق نیست. بلی، به نحوی که در افغانستان تطبیق شد و توسط اشخاص بی کفایت سیاسی و بی کفایت مسلکی که تطبیق شده، قابل تطبیق نیست.

اما بشریت امروز با تمام کمبودی های دموکراسی و انستیتوت های آن قایم مقام خوب دیگری در دست ندارند. به یقین گفته می توانیم که این سیستم و انستیتوت های آن کامل نیستند و نواقص خویش را دارند اما آنچه در افغانستان به نام دموکراسی عملی شد از دموکراسی امروزی، قواعد و اصول آن فرسخ ها فاصله دارد و سوء استفاده صریح از نام دموکراسی و حقوق بشر بود و است.

از میلیارد ها و بیلیون ها دالر مساعدت های "جامعه جهانی" [بخوانید اشغالگران قاتل و دزدان دارائی های مادی و معنوی کشور ما] در ده سال اخیر به اساس بی کفایتی، تعصب و اداره ناسالم و مداخلات خارجی ها و عدم به وجود آوردن بستر های لازم حقوقی برای استفاده آن عمداً و غیر عمد استفاده موثر صورت نگرفت.

به علاوه دهها کمبود، حاکمیت و حامیان بین المللی آن تا حال نتوانسته اند احصائیه گیری و ثبت احوال نفوس الکترونی و مدرن که اساس بسیاری از پروژه های انکشافی و تأمین دموکراسی و مردم سالاری است، کار موثر و عملی نمایند.

دقیق این است که با دموکراسی و حاکمیت مردم بیشتر از همه، کسانی مشکل دارند که این امر را یک امر جدی تلقی می کنند. آنهایی که از دموکراسی به حیث روپوش جنایات و تخلفات خویش استفاده می برند با دموکراسی مشکل اساسی نداشته و استادانه از آن استفاده غیر مشروع می برند.

این انتخابات گذشته و این معامله گری های قومی و لسانی و تخلف از اصول دموکراسی و این اقتصاد بازار آزاد وحشی که تحت حاکمیت قانون نیست، عدم استفاده از اقتصاد مختلط به حیث وسیله برای رسیدن برای بازار تحت نظر قانون و به این ترتیب عدم ایجاد ظرفیت های رقابت آزاد که برای کاری بودن اقتصاد بازار آزاد ضروری است و حاکمیت روابط مافیائی در اقتصاد و ..... هیچگاه قابل قبول نبوده و نیست.

بلی آموزنده است که حزب اخوان المسلمین مصر، چندی قبل اعلان کرد؛ که مشروعیت حاکمیت از مردم و به اساس اصل تابعیت است. به عمق این مسایل دقت نموده و از جهان باید آموخت. بلی، یکی از تفاوت های عمده بین انسانان و دیگر حیوانات همین است که انسان عقل دارد و زبان و تجارب خویش را به یکدیگر انتقال داده می تواند. بلی، بشریت و جامعه ما بدون از نظام دموکراتیک و حاکمیت مردم در شرایط امروزی کدام بدیل دیگر ممکن و عملی ندارند.

**مصالحه و توافق سیاسی تعریف شده و با ذکر جوانبی که در بالا گفتیم بدیل ندارد.**

### **راه حل و نسخه اساسی در شرایط امروزی:**

کار مشترک دوامدار و ایجاد میکانیزم عملی و ممکن حاکمیت مردم. میکانیزمی که تمام نیرو های موجود سیاسی جامعه مشروعیت نسخه های خویش را در انتخابات آزاد به طور دوامدار به دست آورند و آنرا در برابر انتخاب مردم قرار داده و دوامدار مفیدیت و مناسب بودن آنرا امتحان کنند.

**و اما آنهایی که مصالحه سیاسی را رد نموده و به تعریف رسمی دشمن تأکید دارند و به این ترتیب عوض اراده ملت مانند نظام ها و حاکمیت های توتالیتر و خود کامه با دادن تعریف رسمی از دشمن و دوست های انقلاب را روشن ساخته، مخالف سیاسی، اپوزیسیون را با خرابکار مغالطه کرده و میکانیزم دولتی را در مبارزه علیه دشمن؟! تعریف شده خود شان، بسیج کردن میخوانند و تأکید دارند تا باشد که اردو و نیرو های امنیتی دولتی از کسی و یا گروه مشخص دوست (تعریف شده توسط افراد معین) دفاع و دشمن را سرکوب کند. این مطالبه مرا به یاد نظام های کمونیستی، فهم طبقاتی و دیگر نظام های توتالیتر و خود کامه می اندازد که ماشین دولتی در خدمت شان بود و خودکامه حکومت می کردند و با تعاریف و ایدئولوژی های رسمی خویش و حزب خویش ملت را به حاشیه رانده بودند.**

مسلم این است که کدام حرکت و سازمان یاغی و باغی و کدام یک جنبش رهایی بخش ملی است و کدام سازمان و حرکات سیاسی در مراحل مختلف زندگی خویش دست به ترور، دهشت و از بین بردن مخالفان زده اند و کدام یک

به حق و کدام غیر حق است؟ کدام یک از این سازمان‌ها از مراحل یاغی و باغی گذشته و در مرحله معین به حیث جنبش آزادیبخش ملی مبدل شده. و این مسایل را در این مقطع زمانی کی روشن خواهد کرد و کی صلاحیت قاضی را خواهد داشت؟ بحثی است طولانی و این کار را درین مرحله برای حل مشکلات روی دست و زخم‌های باز مردم ما مدیرانه نمی‌بینم. این بدان معنا نیست که امر حرام را برای حرام میرر بدانم و این وحشی‌گری‌ها را به نحوی مثبت توجیه کنم.

برای این افراد و گروه‌هایی که به تعریف رسمی دشمن تأکید دارند و ملت را به حاشیه می‌کشاند می‌خواهم تعاریف چندی را خدمت‌شان تقدیم بدارم تا به آرمان خویش نایل آیند و انتخاب کنند با کدام یک از این تعاریف که بخشی از آن غیر از تعریف مطلوب‌شان است و در جامعه وجود دارد، موافق اند:

**دشمن** کسی و یا گروهی بود و یا است که با خواندن کتابهای سرخ و ایدیولوژی سرخ نا مانوس و نا مقبول برای ملت ما، ملت را به خون‌کشاندند و مانند ستون پنجم، سبب مسلط ساختن اردوی سرخ در افغانستان و در نتیجه سبب خانه‌خرابی افغانها و برپادی نظام شوروی شدند.

**دشمن** کسی است که به امر جهاد مردم مسلمان افغانستان خیانت کرد و با معامله با روس و با گرفتن مراکز در کشور های همسایه دشمن، صفوف جهاد را شکست و ملت را به خاک و خون نشانند.

**دشمن** کسی است که با موضع گرفتن در محلات مسکونی کابل در سالهای نود قرن قبل، کابل را به خاک و خون کشانده و در نتیجه آن، مردم ما حتی به خاطر حفظ ناموس خویش، خود را از منزل پنجم میکرویان به زمین پرتاب کرده و خودکشی را بهتر دانستند.

**دشمن** کسی است که به اساس قومی، منطقه و گروپ سیاسی خویش مدت بیشتر از ده سال در تمام حلقات دولتی و کلیدی قرار دارند و هنوز هم خود را اپوزیسیون می‌گویند.

**دشمن** کسی است که در داخل نظام علیه نظام دسیسه می‌کند و انتحاری را تا دروازه هتل انترکانینتال انتقال داده و سبب تشنج و خواستارگرفتن امتیاز بیشتراند.

**دشمن** کسی است که از ایران پول می‌گیرد تا در افغانستان تفرقه‌های قومی و مذهبی را تشدید کند.

**دشمن** کسی است که در خدمت استخبارات ایرانی و هندی قرار دارد و برنامه‌های آنها را قدم به قدم در افغانستان عملی می‌کند.

**دشمن** کسی است که در خدمت استخبارات نظامی پاکستانی قرار دارد و آگاهانه و یا نا آگاهانه برای منافع ستراتیژیک آن کار می‌کند.

**دشمن** کسی است که با رابطه و در خدمت قرار گرفتن در استخبارات اجنبی تمام مصالح و منافع کشور و مردم خویش را زیر پا کرده و می‌کند.

**دشمن** کسی است که ستون پنجم اشغال‌گر شده است.

**دشمن** کسی است که به زور اجنبی به قدرت سیاسی رسیده.

**دشمن** کسی است که پلان صلح ملل متحد را در سالهای نود قرن گذشته ناکام و افغانستان را به جنگ‌های قومی و منطقه‌ئی کشاند.

**دشمن** کسی است که با سر دادن شعار های قومی (من و استاد پاسپورت مان در جیب ما ست اگر نمی‌خواهید که دیگر از عقب دروازه‌های شما شنیده شود - خوک بی؟ پس بیایید که متشکل شویم و سلاح برداریم و آنها را نابود

و .... کنیم.) ملت را به جان هم انداخت و تحت شعار مبارزه علیه تروریسم به قتل های دسته جمعی قومی و تصفیه های قومی پرداخت.

دشمن کسی است که "جامعه جهانی" را فریب داده و عامل اصلی قتل اولاد آنها در افغانستان اند. دشمن کسی است که مانع جلسه و تفاهم نیک افغانها شده ویا با سیاست تعصب و پیش داوری، مخالف تفاهم اصولی و نیک بوده و به این ترتیب زمینه در خدمت ماندن افغانان برای استخبارات پاکستانی و دشمن را آماده می نماید و سبب بقای وجود نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و خونریزی شده و ادعای وطن دوستی و خدمت گاری به مردم را هم دارد.

دشمن .....

کدام یک از تعاریف و اتهامات فوق را موجه و وارد می دانید؟ کدام تهمت است و کی این را روشن خواهد کرد؟ می دانم به کدام یکی ازین تعاریف نیم بند و غیر جامع کیها موافق و برای کی ها دلپسند و کدام آنرا کی نمی پذیرد. اما باید قبول کرد که این مطالب و بخشی ازین حقایق در اذهان و خارج از موافقه و عدم موافقه ما وجود دارند. شما می خواهید از تمام این حقایق انکار کنید ویا می خواهید تعریف خود را داشته و همه باید تعریف شما را قبول کنند؟

می خواهید که تعریف رسمی و دولتی دشمن شود و آن تعریف را شما انتخاب کنید؟

**عملا نادرست، غیر عملی، غیر دموکراتیک و به جای نمی رسد.** حق انتخاب ملت را از وی می گیرید و ملت را به حاشیه می کشانید. نباید به شرارت ادامه داده مفسد فی الارض بود. هوا و هوس به کرسی و قدرت سیاسی رسیدن نباید ما را کور و کر کند که به هر قیمت باید جانبداری حلقهات نظامی و تشدد گرای اجنبی را به دست آورد که درین دنیای فانی چند روزی حاکمیت کنید.

بلی چنانچه قبلا هم متذکر شدم، ما حق داریم در چوکات حزب، حرکت، سازمان و به حیث افغان و هموطن و انسان خیر اندیش تعاریفی از مسایل و دوست و دشمن داشته و درزندگی تعیین کنیم که حدود و ثغور حرکت ما از کجا تا کجا است و خطوط سرخ کدام اند که نباید از آن عبور کرد. اما این معیار ها، تعاریف شخصی، اولویت ها و موضع گیری های شخصی و گروهی را نباید به هیچ صورت تعاریف رسمی و دولتی ساخت و به اساس آن، ارگانهای دولتی را در خدمت این اولویت ها و دوست و دشمن های تعریف شده خویش نمود. ارگانهای دولتی مراجع عدلی و قضائی باید در دفاع از حاکمیت قانون و دفاع از انستیتوت های اراده ملی و مردم و در خدمت مردم قرار بگیرند و از ارگانهای قومی، سمتی و حزبی و منطقه نی باید به ارگانهای مسلکی دفاع از اراده ملت تحت نظر قانون مبدل شوند. اما شواهد نشان می دهد که در افغانستان در بخشی از ادارات دولتی و امنیتی پروسه به عکس آن جریان دارد و با تأسف آمادگی های کادری حتی برای تجزیه افغانستان محسوس است.

مردم و درک مردم را نباید کم گرفت و گمان کرد که کسی این تخلفات و تدابیر خرابی وطن و بی عدالتی ها را با عوامل دیروز و امروز آن درک نمی کنند.

بلی افغانستان در یک بن بست قرار دارد اما عوامل این بن بست در مسایلی است که قسما آنرا متذکر شدم. عوامل آن در به کار گیری نسخه های جنگ سرد و انجماد فکری مسئولین است. دنیای جدید را نمی توان با نسخه های کهنه و تاریخ زده ساخت.

با یک خوشبینی موجه، با درایت و فهم و با استفاده از تجارب گذشته با عزم و اراده و بسیج مردم، با درک درد های شان و طرح شعار های شان که مردم حاکمیت را از خود دانسته و در خدمت خود بدانند باید به پیش رفت. مسایل را ساده و عام فهم مطرح و با ملت راه حل آنرا جست و جو کرد.

زمانیکه حضرت نوح (ع) کشتی نجات را می ساخت به همراهان و ملت خویش همه حقایق را گفت و هیچ مطلب را از آنها مخفی نکرد. مردم می دانستند چه می کنند و برای چه کار می کنند؟ اما در کشور ما وضع چنین نیست. به گمان من سر نشینان دست اول و با امتیاز این کشتی تیتانیک با افتخار تلاش و مباحثات دارند که در کرسی های دست اول نشسته اند و امتیاز دارند. اما با این روش ها عاقبت کشتی تیتانیک و سرنوشت سر نشینان آن به شمول سر نشینان امتیاز دار و درجه اول آن معلوم است.

نگذارید این کشتی به کشتی تیتانیک مبدل شود. این کشتی باید کشتی نجات ملت ما و "جامعه جهانی" شود. اوضاع هرچه بیشتر پیچیده و غیر قابل مهارتر می شود و پاکستان درین راستا، در مرحله بس خطر ناک غیر قابل مهاری قرار دارد.

پاکستان نخواهد گذاشت در افغانستان اداره و حکومت متکی به خود و متکی بر اراده افغانهای به وجود آید. پاکستان به اندازه کافی کدر در تمام حلقات حاکمیت افغانی و خارج از آن دارد. این یکی از مشاغل اساسی ما است که باید به اندازه لازم با سیاست واضح "جامعه جهانی" آنرا حل کرد. در غیر آن خارجی ها و "جامعه جهانی" از افغانستان باز خواهند گشت و سرنوشت ملت ما باز هم به دست همان جنرالان پاکستانی خواهد افتاد. این است و واقعیتهایی که باید آنرا جدا در نظر داشت و اولویت های خورد و شخصی خویش را کنار گذاشت.

به یقین که می دانیم و قابل درک هم است که نیرو های موثر دوست و دشمن در مسایل افغانستان اهداف خویش را دارند و آنرا دنبال خواهند کرد اما برماست از خواب غفلت و هوای قدرت خواهی شخصی بیدار شده به اشک و ماتم مردم خوش و ادای رسالت در این دنیای فانی و ابتلاء متوجه شده و با اعتقاد راسخ به راه درست و راه به حق بودن اراده و توان ملت خویش و مساعدت خیر اندیشان جهان و عون الهی اتکاء داشته، مدیرانه، پیگیر و با عقل و هوش با حوصله مندی، استوار با کار مشترک در اهداف مشترک با ایجاد پلاتفورم و حرکات مشترک مانند قطره های خورد باران، جوی های خورد به دریا های خروشان مبدل شده و رسالت خویش را اداء و ملت خویش و "جامعه جهانی" را ازین فاجعه برهانیم. پایان بی پایان

**یادداشت:**

مطالب داخل کروشه [..] از ویرستاران پورتال است.

اداره پورتال AA-AA